

## عنوان مقاله:

کانون روایت در داستان رستم و سهراب بر اساس نظریه ژنت

## محل انتشار:

دهمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

مژگان میرحسینی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر بجنورد

گلناز تقوایی - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات روایی دانشگاه کوثر بجنورد

## خلاصه مقاله:

کانونی سازی به عنوان یکی از مباحث مهم در روایت شناسی، روشی است که راوی برای نگرستن به داستان خود برمی گزیند. یکی از نظریه پردازان مهم کانونی سازی، ژرار ژنت است که در بررسی های خود دو مقوله لحن و وجه را معرفی می کند. کانونی سازی منظری است که در روایت شکل می گیرد و شخصیت ها و رخدادها را همان منظر نگرسته و ارزیابی می شوند و خواننده نیز از طریق آن، بر روی رخدادها و شخصیت ها متمرکز می گردد. شاهنامه به عنوان یکی از متون روایی کهن از آثاری است که کانون روایت در آن شکلی ترکیبی و درهم آمیخته دارد و این ویژگی به گونه های متنوعی در آن نمود پیدا می کند. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انواع متعدد کانون روایت از دیدگاه ژنت در داستان رستم و سهراب بررسی و تحلیل می شود. هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین چگونگی تطور پیاپی زاویه دید بر مبنای گزینش کانون های روایت متعدد و به واسطه تشخیص عنصر گفتوگو در داستان مزبور است. بر پایه این پژوهش می توان به قدرت و توان بالای فردوسی در داستان پردازی و انتخاب کانون های مختلف روایت پی برد.

## کلمات کلیدی:

کانونی سازی، رستم و سهراب، ژرار ژنت، وجه، لحن.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1438212>

